

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دوره مشروطه

بشری طباطبایی واعظ*

سیدمهدی زرقانی**، محمدجعفریاحقی***

چکیده

مطالعه گونه‌شناسانه مطبوعات زنان از حیث دست‌یابی به سنت نوشتاری زنانه در تاریخ ادبیات فارسی، حایز اهمیت است. مطبوعات ویژه زنان که برای اولین بار در سال ۱۲۸۹ ه.ش توسط ایشان منتشر می‌شود، از یک سو در بر دارنده مسایل و دغدغه‌های زنان در اوان انقلاب مشروطه و از سوی دیگر منعکس‌کننده تغییرات ادبی در همین دوران است. زنان برای اولین بار نوشته‌های خود را در گونه‌هایی مانند داستان کوتاه، مقاله اجتماعی و ترجمه، در مطبوعات منتشر کرده‌اند. گونه‌هایی مانند شعر و نامه نیز که پیش از این رواج داشته است در این دوره از حیث محتوا و کارکرد تغییر کرده است. این تحقیق با استفاده از نظریه گونه‌شناسی (ژانر) و با روش استقراء کامل به شش گونه اصلی در نوشتارهای مطبوعاتی زنان دست یافته است. مطالبه حقوق اجتماعی زنان مانند لزوم تحصیل، حق انتخاب همسر، اجازه کار، حق رای و حق حضانت فرزند؛ محتوای مشترک در تمامی این گونه‌هاست. مخاطب اصلی تمام گونه‌ها زنان هستند، چنانکه کارکرد این گونه‌ها تحت عنوان کلی تعلیم و انتقاد اجتماعی جای می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: مطبوعات زنان، دوره مشروطه، گونه‌شناسی.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)،

boshrastabatabaei@gmail.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد،

zarghani@um.ac.ir

*** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد،

mgyahaghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

در سالهای منتهی به وقایع مشروطه، مطبوعات، مهم‌ترین رسانه اجتماعی محسوب می‌شود. نقل و انتقال اخبار سیاسی روز بعلاوه ترجمه مفاهیم جدیدی چون آزادی، وطن، عدالتخانه و مسایل مربوط به حقوق زنان از طریق همین رسانه به گوش مردم به عنوان اصلی‌ترین مخاطبان آن می‌رسد. در همین دوره تاریخی برای اولین بار، زنان نیز به عنوان قشری در حاشیه، به انتشار مطبوعات ویژه خود می‌پردازند. مسأله این تحقیق حول توصیف گونه‌های فرعی موجود در این مطبوعات و تحلیل آن‌ها در پرتو بافت سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد. از آنجا که پیکره متنی ما، منحصر به نشریات ویژه زنان در بازه زمانی ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۴ ه.ش است، در پی آنیم که تأثیر جنسیت را نیز بر گونه‌های مذکور نشان دهیم. به زعم ما توصیف و تحلیل تاریخی انواع ادبی بکار رفته در مطبوعات زنان از حیث دستیابی به سنت زنانه‌نویسی حائز اهمیت است. علاوه بر این با توجه به اولین بودن گونه‌هایی چون داستان کوتاه، ترجمه و مقالات اجتماعی با محتوای زنانه این آثار می‌توان از آن‌ها بعنوان خاستگاه و سرچشمه گونه‌های جدید یادکرد.

۲. پیشینه تحقیق

اگر چه مطبوعات زنان در فاصله سالهای ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۰ ه.ش از منظر گونه‌شناسی ادبی مورد تحقیق واقع نشده است اما از منظر نقد فمینیستی (شاخه بررسی بازتاب انگاره زن در متون)، جامعه‌شناسی ارتباطات و تاریخ در دوره قاجار مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه و با چنین رویکردهایی نوشته شده، به این شرح‌اند: فاطمه عزیزی (۱۳۸۹) به بررسی بازنمایی زن در نشریات زن‌نگار در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۸۹ پرداخته و مسأله اصلی اش این است که زن به‌مثابه ابژه، در این گونه نوشته‌ها چگونه بازنمایی شده است. فاطمه رضوی (۱۳۹۳) در رساله کارشناسی ارشد خود با رویکرد سبک‌شناسانه به سراغ خاطرات تاج‌السلطنه رفته، این رساله اگرچه از حیث تحقیق در نوشتار زنانه در دوره قاجار با مقاله ما مشترک است اما در پیکره متنی و نیز روش مورد بررسی با این مقاله متفاوت است. علی باغدار دلگشا (۱۳۹۴) مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره قاجار را بررسی و مطالعه کرده است. تمامی پایان‌نامه‌های مذکور غیر از پایان‌نامه فاطمه رضوی، به بررسی بازتاب نقش زن در مطبوعات و آثار قاجار پرداخته‌اند و بررسی ادبی نوشتارهای زنان در این دوره مورد نظر ایشان نبوده است.

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دورهٔ مشروطه ۲۱۳

در میان کتاب‌های منتشرشده، باید از *زنان روزنامه‌نگار ایران* (۱۳۵۱) یاد کنیم که بیشتر رویکرد زندگی‌نامه‌ای و شرح‌حالی دارد. صدیقه ببران (۱۳۸۱) نیز با همین رویکرد و نیز تحلیل محتوا نشریات ویژهٔ زنان تا حدود سال ۱۳۸۰ را موضوع بررسی خود قرار می‌دهد. وطن‌دوست (۱۳۸۵) با عنایت به حقوق زنان و مطالبات آن‌ها به سراغ نوشتارهای مطبوعاتی زنان می‌رود. مفصل‌ترین و نزدیک‌ترین کتاب به تحقیق حاضر، *سفر دانه به گل* (۱۳۸۹) است؛ نویسنده در این کتاب به توصیف آثار مشهور زن‌نگار در دورهٔ قاجار پرداخته است و تأکیدی بر مطبوعات زنان ندارد، درحالی‌که ما تنها به مطبوعات زنان در این دوره و با رویکرد گونه‌شناسانه پرداخته‌ایم. همچنین حسن میرعابدینی (۱۳۹۲) در فصلی از کتابش به تعداد محدودی از داستانهای مطبوعاتی زنان پرداخته که ما در تحقیق خود از همهٔ این‌ها بهره‌مند شده‌ایم. کتاب‌هایی مثل *تاریخ جراید و مجلات ایران* (۱۳۶۴) و *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان* (۱۳۷۷)؛ نیز از حیث توجه به مسائل مطرح در روزنامه‌نگاری، مورد استفادهٔ این تحقیق قرار گرفته‌اند.

این موضوع در بعضی از مقالات نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ «درون‌مایهٔ شعر زنانه در عصر مشروطه» (۱۳۹۴) به تحلیل درون‌مایهٔ اشعار زنان در دورهٔ مشروطه بسنده کرده است که از لحاظ بررسی محتوایی با مقالهٔ حاضر (در بخش شعر) شباهت دارد؛ اما تفاوت در پیکرهٔ متنی و نپرداختن به ویژگی‌های فرم و ساختار از جمله تفاوت آن با نوشتهٔ ماست. کراچی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش عامل جنسیت در گزینش نوع شعر حماسی و غنایی» (۱۳۹۴) به ارتباط مستقیم نوع ادبی، جامعه و جنسیت می‌پردازد. مفاهیم نظری این مقاله بسیار راهگشاست؛ اما به دلیل تفاوت در دورهٔ زمانی با این تحقیق هم‌پوشانی ندارد.

۳. چهارچوب نظری تحقیق

تحقیق دربارهٔ گونه‌های فرعی در مطبوعات زنان، در ذیل مطالعات تاریخ ادبی قرار دارد. اساساً رویکرد گونه‌شناسانه از کهن‌ترین مفاهیم نظری در تاریخ نقد و در مطالعات تاریخ ادبی است. قبل از آنکه به چگونگی استفاده از این رویکرد در خوانش تاریخ ادبیات بپردازیم، بهتر است منظور خود را از این اصطلاح توضیح دهیم. مکاریک در دانشنامهٔ نظریه‌های معاصر، کلمهٔ ژانر را متأثر از *genus* در زبان یونانی به معنای نوع می‌داند، او تنوع نام‌هایی که ژانر در زبان انگلیسی به خود دیده است - نوع، سنخ، گونه، وجه و شکل

(Kind, type, species, mode, form) - را دلیل آشنفتگی بابل گونه این گفتمان انتقادی می‌داند (مهاجر، نبوی، ۱۳۹۳: ۳۷۱).

در ادبیات فارسی ما بیشتر با دو کلمه گونه و نوع ادبی مواجه هستیم که طبق سنت موجود به طبقه‌بندی و توصیف متون ادبی می‌پردازند. وجه ممیزه هر نوع یا گونه ادبی طبق منابع و مآخذ موجود، محتوا و شکل یا قالب اثر است. تقسیم‌بندی آثار به ادبیات عرفانی، حماسی و تغزلی از طرفی و قصیده، غزل، داستان و... از طرف دیگر، طبق همین دو مشخصه صورت گرفته است. نظریه‌پردازان نظریه مدرن ژانر که اکثراً متأثر از مکاتب ساختارگرا و خواننده محور هستند علاوه بر ارائه تعاریف جدید از ژانر، برای طبقه‌بندی گروهی از آثار ذیل عنوان یک ژانر خاص، مؤلفه‌های دیگری غیر از شباهت در محتوا و قالب در نظر گرفته‌اند. توجه به دو ویژگی تاریخی و فرهنگی بودن در تعریف ژانر یکی از اصول غیر قابل اغماض برای نظریه مدرن ژانر به حساب می‌آید. این دو ویژگی که ذیل عنوان کلی عوامل برون متنی مطرح می‌شوند در کنار دیگر عوامل برون متنی مانند مخاطب و کارکرد؛ این نظریه را از توجه صرف به صورت یا قالب باز داشته است. بنابراین بررسی عوامل ذکر شده همراه با توصیف محتوا و فرم در یک گروه آثار می‌تواند تعریفی جامع و مانع از ژانری خاص ارائه کند (زرقانی، قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۳۳۱).

با توجه به آنچه گفته شد ما در توصیف هریک از گونه‌های فرعی در مطبوعات زنان متغیرهای برون و درون متنی را در نظر داشته‌ایم و سعی کرده‌ایم پیوند هر کدام از ژانرها را با جنسیت نویسندگان آن از حیث محتوای زنانه و مخاطب و تا حدودی فرم مشخص کنیم. نشریات مورد بررسی ما شامل این عناوین هستند: دانش، شکوفه، زبان زنان، جهان زنان، نامه بانوان، عالم نسوان، جمعیت نسوان وطن‌خواه. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است. هفت نشریه مذکور با توجه به شماره‌های موجود قرائت شده‌اند و ویژگی‌های فرمی و محتوایی هر یک بر اساس رویکردهای متناسب با هر گونه، به دقت توصیف شده است.

۴. بررسی عوامل برون متنی

اصولاً هر گونه ادبی آفریده و جوابگوی ساخت سیاسی و فرهنگی ویژه‌ای است. در نظریه انواع ادبی میان الگوهای نوع ادبی و الگوی اجتماعی پیوندی ناگسستنی وجود دارد. در واقع هرچه از نظر تاریخی به عقب برمی‌گردیم، این نظر که انواع ادبی معلول شرایط و

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دوره مشروطه ۲۱۵

وضعیت جامعه‌ای هستند که از آن برآمده‌اند، طرفداران بیشتری دارد و هرچه جلوتر می‌آییم، بیشتر با دیدگاه‌هایی مواجهیم که نقش انواع ادبی را در شکل‌گیری فرآیندهای اجتماعی بیشتر و آشکارتر می‌بینند (همان: ۳۶۰). در هر حال آنچه مهم است، پذیرش رابطه تأثیر و تأثریست که جامعه و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن و نیز گفتمان‌های درون آن با انواع ادبی دارند؛ مثلاً رواج دوباره حماسه در دوره پهلوی اول با سیاست‌های ناسیونالیستی حکومت همراهی دارد و بعد از افول این سیاست می‌توان شاهد افول کاربرد نوع حماسه نیز بود.

پیدایش نوع ادبی مطبوعات در حوزه زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. پیش از انتشار روزنامه در ایران، نخبگان ایرانی از راه تماس با اروپا و اروپاییان بر کارکرد روزنامه آگاهی یافتند. در دوره فتحعلی‌شاه به اهمیت انتشار «عقاید عمومی» (Opinion publique) و کارکرد روزنامه پی برده بودند. از همه این منابع، آگاهی ایرانیان از قدرت سیاسی و اجتماعی روزنامه‌ها پیداست (پروین، ۱۳۷۷: ۱۱۰ تا ۱۱۲).

با توجه به تاریخ اولین شماره روزنامه عمومی در ایران با نام «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۱۶ ه.ش و مقایسه آن با تاریخ اولین نشریه زنان در سال ۱۲۸۹ ه.ش (یعنی هفتادوپنج سال بعد)، آنچه بیش و پیش از هر چیز سؤال برانگیز به نظر می‌آید، چرایی عدم فعالیت نوشتاری مستمر و تمام‌وقت زنان در نوع ادبی مطبوعات است. پری شیخ‌الاسلامی در کتاب زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران علت این فاصله زمانی را عدم توجه جامعه نسبت به زنان و محرومیت‌ها و محدودیت‌های آنان و نیز عدم آمادگی خود بانوان برای نیل به حقوق خویش می‌داند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۲۲).

زنان اگرچه تا نزدیک به چهارسال بعد از پیروزی مشروطه روزنامه‌ای منحصر به خودشان نداشتند اما در روزنامه‌های عمومی مطالب خود را در گونه نامه منتشر می‌کردند. موضوعات این نامه‌ها به نقشی که زنان در انقلاب مشروطه و بعد از آن ایفا کرده‌اند بستگی دارد. زنان در دوران مشروطه در مسایلی مانند واقعه رژی، طرح تأسیس بانک ملی و تحریم منسوجات خارجی، واقعه استبداد صغیر، مخالفت با اولتیماتوم روس‌ها و مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله شرکت داشته‌اند. مصادف با پیروزی مشروطه، مطالبات زنان با همیاری مردان روشنفکر و مشروطه‌خواه، ابتدا با تأسیس مدارس دخترانه و انجمن‌های زنان و کمی بعد با انتشار روزنامه‌های ویژه ایشان به بار می‌نشیند.

بعد از مشروطه و دقیقاً در سال ۱۲۸۹ ه.ش خانم دکتر کحال تصمیم می‌گیرد نخستین نشریه خاص زنان را با عنوان *دانش* به سردبیری خودش منتشر کند. محتوای زن محور در مجله *دانش* بصورت آموزش همسرداری دریافت می‌شود. چنانکه در این نشریه، سلسله مقالاتی با عنوان «رسم شوهرداری» آورده شده است.

پس از آن، مزین السلطنه، رئیس مدرسه دخترانه مزینیه نشریه *مصور شکوفه* را در سال ۱۲۹۱ ه.ش منتشر می‌کند و به فاصله چند سال دو روزنامه دیگر هم وارد عرصه می‌شوند؛ نخست *روزنامه زبان زنان* که در اصفهان و به سردبیری صدیقه دولت آبادی منتشر می‌شود و دیگر *عالم نسوان* که در سال ۱۲۹۹ ه.ش به همت شاگردان مدرسه «اناث امریکایی تهران» به علاقه‌مندان تقدیم می‌شود. پس از این، *شهناز آزاد نامه بانوان* و *فخر آفاق پارسا جهان زنان* را در سال ۱۳۰۰ ه.ش به ترتیب در تهران و مشهد منتشر می‌کنند. در همین سال‌هاست که جمعیت *نسوان وطن‌خواه* با مدیریت شاهزاده‌خانم ملوک اسکندری در تهران منتشر می‌شود.

از بین نشریات مذکور، *زبان زنان* و *نامه بانوان* و تا حدی *جهان زنان* به جهت انتشار مقالات مربوط و بعضاً مخالف با گفتمان غالب متفاوت هستند. در تاریخ این سه نشریه دوره‌های تعطیلی و حتی تبعید سردبیرهای آنان به دلیل انتشار مقالاتی با موضوعات مخالف عرف وجود دارد. مثلاً بسیاری مقاله خانم مریم رفعت زاده در نشریه *جهان زنان* را درباره حجاب باعث تعطیلی آن می‌دانند (*جهان زنان*، ۱۳۰۰، ش ۵: ۹). کمترین شماره‌های باقی مانده نیز مربوط به همین نشریات است. نشریه *عالم نسوان* از حیث زمان، طولانی‌ترین سالهای انتشار را دارد که علت آن می‌تواند دوری از مسایل مناقشه برانگیزی مثل سیاست داخلی و حجاب بانوان باشد اگر چه که درباره حجاب کم و بیش مسایلی در آن مطرح شده است.

در این مقاله، در راستای بررسی عوامل برون متنی به زندگی‌نامه زنانی که در مطبوعات قلم زده اند پرداخته شده است. بر اساس منابع موجود، اکثریت قریب به اتفاق ایشان در خانواده‌های مذهبی، روشن فکر، تحصیل کرده و مشروطه‌خواه رشد کرده‌اند. وضعیت مادی آنها اجازه معلم خصوصی داشتن را فراهم کرده بوده است. بنابراین بیشتر آنها علاوه بر زبان فارسی، با زبان‌های اروپایی هم کم‌وبیش آشنا بوده‌اند. چند نفر از آنها (مانند صدیقه دولت آبادی، فخرعظمی ارغون، شمس کسمایی، پروین اعتصامی، نورالهدی منگنه، مریم عمید) از همسرانشان جدا شده‌اند که این نکته می‌تواند در مردستیزی ایشان بی‌تأثیر نباشد،

اگرچه مثلاً کسی چون خانم آزاد با کمک همسر روزنامه‌نگارش (ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای) به توفیق بیشتری می‌رسد. با توجه به وضعیت عمومی زندگی این زنان و تفاوت بارزی که با زندگی زنان در نقاط دیگر ایران داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که مطالبات آن‌ها مطالبهٔ تمامی زنان نیست و ایشان تنها سخنگوی زنان شهری، باسواد و مرفه جامعهٔ آن دوران بوده‌اند.

موضوعات این نشریات تنها در تأکید بر ضرورت استقلال وطن و استفاده از البسهٔ وطنی متأثر از بافت سیاسی محسوب می‌شود. این در حالی است که نشریات عمومی یا غیرزنانه وقایع سیاسی روز را در همهٔ زیرژانرهای مطبوعاتی دنبال می‌کنند. توجه کردن به حقوق اجتماعی زنان مانند حق رأی، حق طلاق و حق تحصیل، نگاه زن‌محور در نشریات این دوره را به خواسته‌های فمینیست‌های لیبرال در خارج از ایران و در همان بازهٔ تاریخی نزدیک می‌کند. این نشریات که با هدف آگاه کردن زنان از حقوق اجتماعی و تعلیم فنون خانه‌داری و همسرداری منتشر می‌شدند، در بعضی موارد به گرایش‌های فمینیست-سوسیال نزدیک می‌شوند. این گونه گرایش‌ها بیشتر در نشریهٔ *دختران ایران*، *بیک سعادت نسوان* و *جمعیت نسوان وطن‌خواه* دیده می‌شود (البته دو نشریه نخست کمی بعد از اتمام دورهٔ قاجار منتشر شده‌اند). وجود اندیشه‌های سوسیالیستی در *جمعیت نسوان وطن‌خواه* به سردبیری محترم اسکندری به دلیل قرابت و خویشی با رهبر حزب سوسیال دموکرات؛ یعنی سلیمان اسکندری قابل توجیه است. بازتاب این اندیشه در نوشتارهای زنان عمدتاً به تأکید ایشان بر مسألهٔ اشتغال زنان معطوف است؛ مثلاً زندخت شیرازی در یکی از اشعارش، زنی را که محل درآمدی غیر از همسر دارد، زنی موفق می‌داند: «گر زن کارگر گردد به گیتی / بر فرق شوهر لاجرم بی‌شبهه تاج است».

از دیگر نکات قابل بررسی در نشریات زنان، توجه به جغرافیای انتشار آن‌هاست. از بین هفت نشریهٔ مورد بحث، اکثر آن‌ها در تهران منتشر می‌شده‌اند غیر از روزنامهٔ *زبان زنان* در دورهٔ اول انتشارش که در اصفهان به طبع می‌رسیده و بعدها به تهران منتقل شده و مجلهٔ *جهان زنان* که در مشهد منتشر می‌شده است.

۵. بررسی عوامل درون متنی

۱.۵ داستان

داستان‌های مورد بحث ما در جایگاهی بین حکایت‌های سنتی و داستان‌های کوتاه قرار می‌گیرند؛ از این جهت می‌توان آن‌ها را حلقه انتقال ژانر «حکایت» به «داستان کوتاه» به‌شمار آورد. اهمیت آن‌ها نیز دقیقاً در همین است که از بهترین نمونه‌هایی هستند که «حلقه انتقال ژانری» را تشکیل می‌دهند. برای اثبات این نظریه بهتر دیدیم که به بررسی ساختار آن‌ها بپردازیم و از آن‌جا که نقطه اشتراک حکایت سنتی و داستان کوتاه عصر جدید در روایی بودن آن‌ها است، می‌توانیم برای این بررسی‌ها از نظریه‌های روایت کمک بگیریم.

وجه مشترک مجموعه تعاریفی که از روایت ارائه شده، تأکید بر دو متغیر «زمان» و «علیت» است. بر این اساس، روایت عبارت است از «بازنمایی دست کم دو رویداد یا موقعیت در یک گستره زمانی معین که هیچ کدام پیش فرض یا پیامد دیگری نباشد» (پرینس، ۱۳۹۱: ۱۰). ما برای روشن شدن الگوی روایت در داستان‌های مطبوعاتی زنان به عناصر روایی مانند راوی، روایت شنو، طرح و درونمایه خواهیم پرداخت.

از مجموع داستان‌های مورد بررسی ما، پنجاه داستان که همگی به قلم دلشادخانم چنگیزی نوشته شده است، راوی، اول شخص مشارک است؛ یعنی شرح حال خود و یا تجربه‌ای را که خود در آن سهم داشته، به رشته تحریر درآورده است. در پانزده داستان، راوی سوم شخص غیرمشارک یا همان دانای کل است و در پنج داستان از راوی ترکیبی (اول و سوم شخص) استفاده شده است. داستان «جواب پیرهن فروش» (چنگیزی، ۱۳۰۱، ش ۴: ۳۱) تنها موردی است که در آن راوی دوم شخص است. همین تنوع راوی‌ها و استفاده از راوی دوم شخص را باید از جمله عواملی دانست که داستان‌های مذکور را از الگوی حکایت سنتی دور و به داستان کوتاه نزدیک می‌کند.

ویژگی دیگر راوی در این داستان‌ها داوری و تفسیرهای پی‌درپی اوست که با استفاده زیاد از قیدهای سنجشی، میزان مداخله‌گری خود را به بالاترین سطح می‌رساند. روایت شنو در این داستان‌ها اغلب زنان هستند که به صورت روایت‌شنو آشکار و در قالب یکی از شخصیت‌های داستان ظهور می‌کنند.

پیرنگ این داستان‌ها نیز به همان شیوه کلاسیک بیان موقعیت، گره و گره‌گشایی است. بدیهی است این داستان‌ها به اعتبار اینکه نخستین نمونه‌های عبور از سنت حکایت‌پردازی

است، برخی ویژگی‌های داستان کوتاه مدرن را مثل تعلیق در پیرنگ، پیرفت‌های گوناگون، جابه‌جایی زمانی، شخصیت‌پردازی و... ندارند و درمقابل استفاده از شعر و ضرب‌المثل و تأکید بر کارکرد تعلیمی آن‌ها را به حال‌وهوای حکایت‌پردازی سنتی نزدیک می‌کند.

درون‌مایه‌های بنیادین داستان‌های مورد مطالعه ما در چند محور خلاصه می‌شود. نخست نقد بی‌سوادی و جهالت زنان آن روزگار. در داستان «سود علم و زیان جهل» با عنوان جهت‌دارش، زندگی زن متمولی به تصویر کشیده شده که بعد از مرگ همسرش به دلیل بی‌سوادی و بی‌هنری به خاک مذلت نشسته است (نزهت، ۱۳۰۰، ش ۵: ۲۸-۲۷)؛ در داستان دیگری این موضوع از طریق تقابل دو شخصیت محوری داستان بازنمایی شده است: یکی زنی باسواد با زندگی پویا و خلاق و دیگری، زنی بی‌سواد که بیشتر به یک مجسمه شباهت دارد تا انسان واقعی (دولت‌آبادی، ۱۳۰۱، ش ۴: ۲۵-۲۲).

تأکید بر نقش مادری زنان درون‌مایهٔ مهم دیگر داستان‌هاست؛ اصولاً هویتی که برای زنان به عنوان مخاطب اصلی نشریات زنانه بازنمایی می‌شود، هویت همسری و مادری است. این امر از تأکید بر ضرورت سوادآموزی زنان با هدف تربیت فرزند مشخص می‌شود. مثلاً دو داستان «بی‌ثمر و باثمر» و «درخت توت و درخت عرعر» براساس تقابل استعاره‌هایی نوشته شده که در آن‌ها زنی که نقش مادری خویش را پذیرفته، به درخت باثمر و توت و زنی که از فرزند محروم است، به درخت بی‌ثمر و درخت عرعر تشبیه شده است (نورایی، ۱۳۰۳، ش ۵: ۱۸-۱۴). تقبیح ازدواج‌های اجباری نیز بخش دیگری از دغدغه‌های نویسندگان زن است. داستان «یک دختر ایرانی» (نزهت، ۱۳۰۰، ش ۵: ۲۸-۲۶)، زندگی دختری را به تصویر می‌کشد که برخلاف میل خود و تنها به خواست پدر و مادرش با پیرمرد ثروتمندی ازدواج می‌کند؛ اما این ازدواج شوم به بیماری و سپس مرگ دختر منجر می‌شود.

اسامی داستان نویسان در مطبوعات مورد تحقیق ما عبارتند از:

فخرعادل ارغون، دلشادچنگیزی، م. محمودی، صنوبراتابکان، نزهت ایران، بدرالملوک بامداد، صدیقه دولت‌آبادی، عفت سمیعان، صفاشهمیرزادی، منیژه شاهرخ، م. جودی، همدم نبوی و م. ن. نورایی.

۲.۵ شعر

شعر که در کنار داستان به عنوان یکی از ادبی‌ترین زیرژانرهای مطبوعاتی شناخته می‌شود، در نشریات ویژه زنان تحت تأثیر موقعیت جدید ایشان، بروز و ظهوری متفاوت دارد. تا قبل از این دوره شعر زنان که به گواهی تاریخ ادب فارسی از قرن چهارم ثبت شده و قابل بررسی است، از لحاظ مضامین جنسیتی تشخیص ویژه‌ای ندارد. شباهت بی حد آثار زنان و مردان نویسنده در فرم و محتوا، مانع تعیین سنت ادبی ویژه زنان می‌شود. ویژگی مشترک اشعار زنان را از سده چهارم تا سده سیزدهم هجری قمری گرایش به مضمون‌های عشقی با دیدی کلی، نگرشی سطحی به هستی و تقلید اشعار عارفانه می‌داند (کراچی، ۱۳۸۰: ۵۶).

همزمان با انقلاب مشروطه و نقش بارز زنان در این انقلاب، شعر که رابطه‌ای متقابل با جامعه دارد، هم در محتوا و بالتبع آن در فرم تغییرات معناداری پیدا می‌کند. تقارن انقلاب و راه‌یافتن مضامین زنانه به نوشتارهای زنان، امری قابل اعتناست. انقلاب که در ذات خود در پی بازگرداندن عدالت به آحاد افراد جامعه است، زمینه مناسبی برای احقاق حقوق گروه‌های مورد ظلم به شمار می‌آید. در همین اثنا زنان شاعر با مهم‌ترین سلاح خود یعنی قلم سعی در احقاق حقوق هم‌جنسان خویش دارند، احقاق حقوقی مثل حق علم آموزشی، اشتغال و رأی و البته مبارزه با ظلمی که توسط مردان در حق ایشان روا داشته شده است. نوع خیال‌پردازی شاعران زن یا دسترسی به قلمروهای مبدأ و هدف در استعاره‌های مفهومی و نیز انتخاب دایره واژگانی شعر زنان می‌تواند روشنگر باورهای ناخودآگاه ایشان در مطرح کردن محتوای مورد نظرشان باشد. نام شاعرانی که در این مطبوعات از ایشان شعری منتشر شده است به این قرار است:

بلقیس ناظری، دلشاد چنگیزی، صنوبر اتابکان، عفت خواجه نوری، نیمتاج سلماسی، پروین اعتصامی، مه‌رتاج رخشان، زندخت شیرازی، فخرعظمی ارغون، ماه طلعت پسیان، شمس کسمایی، هما محمودی، پروین ایران پور و کوکب الملوک پرنیان.

بطور کلی طرحواره‌هایی که در آن‌ها «زن» به عنوان قلمرو هدف در نظر گرفته شده است، بیشترین فرکانس را در اشعار مطبوعاتی زنان دارد. طرحواره‌هایی از این دست:

زن، گیاه (درخت، گل) است:

«هزار قرن گذشت از زمان و ما نسوان

به باغ علم و تمدن درخت بی‌ثمریم» (بی‌نام، ۱۳۱۱، ش ۱: ۳۴).

زن، پرنده است:

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دورهٔ مشروطه ۲۲۱

«چه داند زن به کنج آشیانه

ندارد او خبر الا ز خانه» (کسمایی، ۱۳۰۱، ش ۲: ۳۰).

زن، مدرسه است:

«دامن مادر نخست آموزگار کودک است

طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری» (اعتصامی، ۱۳۰۳، ش ۵: ۱۹).

زن، وطن است:

کلمهٔ زن در اشعار مطبوعاتی نه تنها قلمرو هدف است؛ بلکه وقتی کنار وطن می‌آید،

به‌عنوان قلمرو مبدا به کار می‌رود:

«بینید حال مام وطن را که خفته زار

با آن تن جریح که کس آنچنان مباد» (معارف خواه، ۱۲۸۹، ش ۱۵: ۳).

استفاده از قلمروهای هدفی مانند گیاه، پرنده و به‌طور کلی طبیعت به‌عنوان نشانگان

زایش و تولید مثل به‌نوعی تأکید بر مفهوم «زن به‌مثابه مادر» محسوب می‌شود.

بنابر آنچه گفته شد، قلمروهای مبداً از دایرهٔ محسوسات فراتر نمی‌رود. لوازم زنانه و

مفهوم زایش (در استعارهٔ گیاه و پرنده) کاربرد قابل توجهی در قلمروهای مبداً دارند که این

موارد موضوع جنسیت زنانهٔ انعکاس تجربهٔ امر زنانه را در تخیل شاعران دورهٔ مورد تحقیق

اثبات می‌کند.

در حوزهٔ انتخاب واژگان نیز شاعران زن از همان دایرهٔ واژگانی مربوط به جنسیت خود

استفاده کرده‌اند مثلاً کلمات قافیه در شعری با امضای یک نفر دختر تبریزی - که نام

مستعار خانم نیم تاج خاکپور است - که از قلمرو لوازم آرایشی و خیاطی انتخاب شده

است:

«شد پاره پردهٔ عجم از غیرت شما

اینک بیاورید که زن‌ها روفو کنند

بس خواهران خطهٔ سلماس تا کنون

خون برادران همه سرخاب رو کنند» (خاکپور، ۱۳۰۲، ش ۲: ۲۶).

گروه دیگر از کلماتی که نشانی زنانگی دارد، شامل لوازم خوراکی است:

«کسی ز ترشی سبزی سخن همی‌میراند

یکی به فکر مربا و رب و ناردان بود» (ببی‌نام، ۱۲۹۹، ش ۲: ۱۰).

از دیگر ویژگی های کلمات در این دوره، اضافه شدن بار معنایی جدید است بر لغاتی که از قدیم وجود داشته اند؛ مانند: وطن، آزادی، دبستان، جامعه، وکیل، کشور و حقوق؛ که البته این کاربرد نیز مختص به شاعران نیست اما از این بین، کلمه حقوق که به معنای اخص درباره حق زنان و نیز تساوی حق مرد و زن به کار رفته جالب توجه است:

«تساوی حق خود با رجال نیکو حال

کنیم ثابت با فعل و قول و جمله قوا» (بی نام، ۱۲۹۱، ش ۸: ۳).

درباره بلاغت جملات و دستور زبان در شعر زنان مهم ترین نکته ای که به چشم می خورد، نزدیک بودن نحو جملات شعری است به نحو محاوره و نثر؛ به صورتی که ابتدا فاعل بعد از آن مفعول و در انتها فعل آورده می شود:

«با این همه کوتاه نظران می گویند

کایام ترقی شماها زود است» (بی نام، ۱۳۰۰، ش ۵: ۴۰)

عدم پیچیدگی در نحو جمله دستورمند بودن جمله را کسانی چون مری هایت به دلیل جنسیت نویسنده می دانند. آن ها معتقدند زن ها از دستور جملات ساده و بدون جابه جایی ارکان استفاده می کنند (رضوانیان ۱۳۹۲: ۶۶). بنابراین نحو جملات در اشعار مطبوعاتی نیز دارای نشانگان زنانه است.

اوزان به کاررفته در شعر زنان بر اساس صد مورد شعری که مورد قرائت قرار گرفت اکثرا در دو بحر رمل و مجتث جای می گیرند که جزء اوزان نرم و سنگین (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۷۲-۸۰) بشمار می آیند و از حیث تطابق با محتوای تعلیمی و انتقادی قابل اعتنا هستند. این اوزان اکثرا در قالب غزل آورده شده اند که با توجه به محتوای آنها می توان به آنها نام غزل اجتماعی یا غزل زنانه داد.

آنچه از مجموع و برآیند ویژگی های شعر مطبوعاتی زنان بدست آمده است ما را در تایید این فرض که قصد یا کارکرد این گونه ادبی دو محور اصلی تعلیم و انتقاد اجتماعی بوده است یاری میدهد. سادگی لفظ و عدم بکارگیری صنایع ادبی را می توان با تاکید بر کارکرد این گونه توجیه نمود علاوه بر آن زمینه مطبوعات به عنوان رسانه ای که از آن برای اطلاع رسانی استفاده می شده نیز در کوتاهی، اخباری بودن و پیشی گرفتن محتوا بر لفظ موثر بوده است.

۳.۵ مقاله

زنان که تا قبل از مشروطه در ژانرهای شعر، نامه، خاطرات، سفرنامه و رساله طبع‌آزمایی کرده بودند، در این زمان که پیوند مسائل سیاسی و اجتماعی ضرورت وجود ایشان در جامعه را ایجاد می‌کند، با انتشار روزنامه و نوشتن مقاله، عمدهٔ موضوعات و دغدغه‌های فکری خود را با هم‌جنسانشان از طریق این ژانر، در میان می‌گذارند. کارکرد این مقالات در دورهٔ مورد بحث تعلیم و آموزش است که اغلب با لحن اعتراض‌آمیز و انتقادی بیان می‌شود. اکثر زنانی که در این دوره مقاله می‌نویسند، همزمان در مدارس که به‌تازگی افتتاح شده است، تدریس می‌کنند، دستی در شعر و داستان، ترجمه و نمایش دارند و در جمعیت‌های زنانه عضو هستند.

اسامی زنان مقاله‌نویس در مطبوعات مورد بررسی ما، به شرح زیر است:

عفت سمعیان، بدرالملوک بامداد، فخرآفاق پارسا، ایراندخت تیمورتاش، صدیقه دولت آبادی، مه‌رتاج رخشان، زندخت شیرازی، مریم عمید سمنانی، دلشادخانم چنگیزی، مریم رفعت زاده، خدیجه افضل وزیری، نورالهدی منگنه و فروزان میردامادی.

محتوای مقالات زنان را در چهار گروه عمدهٔ آموزشی و اجتماعی می‌توان قرار داد:

۱. مقالات اجتماعی: محوریت مقالات اجتماعی حول مسائل زنان صورت گرفته است. احقاق حقوق اجتماعی ایشان ذیل مباحث ضرورت علم‌آموزی، اصلاح قوانین ازدواج، اشتغال و حجاب قابل بررسی است. فحوای این مقالات امر به امریست که نویسندگان آن‌ها را برای زنان لازم و ضروری می‌دانستند. در ذیل عنوان مقالات اجتماعی مضامین انتقادی یا نهی زن از آسیب‌های اجتماعی مانند سیاهکاری، اسراف در خرید البسه، جادو و خرافه مطرح می‌شود. مضامین مربوط به نقد رفتار مردان با زنان و نیز نقد و مقایسهٔ زنان ایران با زنان سایر ملت‌ها نیز در همین گروه جای می‌گیرد.

۲. مقالات آموزشی شامل مقالات پزشکی (حفظ‌الصحه)، روش‌های خانه‌داری (آشپزی، خیاطی، همسر‌داری و کودک‌داری)، معرفی زنان مشهور و مقالات ترجمه‌ای در معرفی اختراعات و نوآوری‌های جدید در این مبحث قابل بررسی است.

۳. مقالات سیاسی

در نشریات زنان عموماً بحث جدی و دنباله‌داری دربارهٔ سیاست روز مطرح نمی‌شود. مهم‌ترین دلیل این امر عدم موافقت و پذیرش جامعه نسبت به دخالت زنان در امور سیاسی است؛ چنانکه شرط صدور مجوز نشریه، عدم نوشتن از سیاست بوده است و این نکته در

عناوین مجلات که به صورت اخلاقی، ادبی، ... و غیرسیاسی آورده می شده است، آشکار است؛ علاوه بر آن احساس ضرورت زنان نسبت به تعلیم دادن نکات ظریفی که تا آن روز از دانستنش محروم بوده اند، غیرسیاسی بودن این نشریات را توجیه می کند.

اما مجله *زبان زنان* از این حیث با دیگر نشریات هم دوره خود فرق دارد. از جمله این تفاوت ها، نوشتن مقالاتی است درباره موضوعات مهم سیاسی؛ برای مثال در شماره بیست و پنجم از سال دوم انتشار این مجله می بینیم که درباره قراردادهای گلستان و ترکمنچای بحث شده است و به نقد قرارداد وثوق الدوله اشاره دارد (دولت آبادی، ۱۲۹۹، ش ۲۵: ۳).

در شماره بعد نیز نویسنده که به احتمال زیاد صدیقه دولت آبادیست، در سرمقاله ای با عنوان «طهران و سیاست ایران» با لحنی تندتر از دخالت انگلیس در ایران شکایت می کند و باز هم به کابینه وثوق الدوله ایراد وارد می کند و از ملیون می خواهد که مستشاران را از کشورهای بی طرفی چون سوئیس انتخاب کنند (دولت آبادی، ۱۲۹۹، ش ۲۶: ۳). تعطیلی این مجله بعد از دو سال مطابق است با تاریخ همین مقالات تندی که علیه دولت به نگارش درآمده است.

۴.۵ مقالات اخلاقی

مقالات اخلاقی، مقالاتی است که مخاطب آن تنها زنان نیست و به هر دو جنس یا به قول نویسندگان، به انسانیت نظر دارد؛ مثلاً در مقاله ای با عنوان «شرافت انسان بر سایر موجودات» با امضای مهربانو دنبل اسپاهی، نویسنده سه مقام نباتی، حیوانی و انسانی را مقایسه کرده است و به برتری مقام انسانی رأی می دهد (دنبل/اسپاهی، ۱۲۹۹، ش ۱: ۶).

البته مرز دقیق و ثابتی نمی توان میان این چهار گروه عمده و حتی زیرگروه ها کشید. درهم بودن این مضامین کلی در یک مقاله را می توان از ویژگی های ساختاری آنها دانست. مخاطب مقالات، بیشتر زنان جوان و دوشیزگان دم بخت هستند. اهمیت نقش مادری برای یک زن و برساختن هویت مادر و همسر برای زن موضوع واحدی است که در همه مقالات به صورت آشکار و پنهان بر آن تأکید می شود. شکل ظاهری مقالات مطبوعاتی زنان شامل ویژگی های زیر است:

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دورهٔ مشروطه ۲۲۵

نداشتن عنوان و نداشتن نام نویسنده؛ بکار بردن آیات، احادیث، اشعار و ضرب‌المثل در میان مقاله برای تایید مدعای نویسنده؛ طولانی بودن جملات و انشایی بودن آنها و بکار بردن لحن روایی

با توجه به بررسی محتوایی و ساختاری مقالات می‌توان نتیجه گرفت که اولاً این مقالات جزء مقالات عمومی هستند و ثانياً آنچه هویت زنانه به این مقالات بخشیده است، بیشتر در حوزهٔ محتوا و مخاطب است و صرفاً با استناد به ویژگی‌های ظاهری نمی‌توان حکم به زنانه‌بودن آنها داد.

۵.۵ ژانرهای ترجمه‌ای

در مجلات ویژهٔ زنان، موضوعات ترجمه با فضای عمومی دوره متفاوت است. در دورهٔ مورد نظر ما ترجمهٔ کتاب‌ها بیشتر درژانر رمان، سفرنامه و زندگی‌نامه است و در روزنامه‌ها و مجلات ترجمهٔ شعر و رمان، شرح زندگی شاعران و نویسندگان و همین‌طور ترجمهٔ اخبار روز بیشترین بسامد را داراست. مترجمان زن نیز خارج از فضای مجلات و روزنامه‌ها به ترجمهٔ انواعی چون نمایشنامه (تاج‌ماه، هاجر تربیت)، شعر (فخرعظمی ارغون)، رمان (زهرا کیا) و ... پرداخته‌اند؛ اما برخلاف جو غالب، در نشریات ویژهٔ زنان، از لحاظ کمی بیشترین حجم ترجمه، مربوط به مقالات بهداشتی و پزشکی است، اگرچه در مواردی علاوه بر موضوع حفظ‌الصحه و یا مقالات مربوط به بیماری‌ها و پیشگیری از آن، روش‌های خانه‌داری، معرفی مشاهیر زنان جهان، مدلباس، اطلاعات علمی و چند مورد هم ترجمهٔ مقالات اجتماعی (دربارهٔ مدرسه، نقش مادر، توصیه‌هایی برای ازدواج) و ترجمهٔ حکایات و قطعات ادبی و چند مورد نمایشنامه هم به چشم می‌خورد.

در میان نشریات ویژهٔ زنان، *عالم‌نسوان* بیشترین حجم ترجمه را داراست. علت آن می‌تواند وابستگی این مجله به مجمع فارغ‌التحصیلان مدرسهٔ عالی دختران آمریکایی باشد. اکثر نوشته‌های این مجله از آثار نویسندگانی چون میسز مکدوال، میسز پویس و میس یانک صورت گرفته است. میسز مکدوال ظاهراً مدیر مدرسه بوده است و سال‌ها در ایران اقامت داشته است. تعداد مترجمان در این مجله به نسبت دیگر مجلات بیشتر است. همهٔ مترجمان در موضوعات متفاوت آثاری برجا گذاشته‌اند و این‌طور نیست که فردی به موضوعی خاص شهره باشد.

نام ایشان به این قرار است: م. م. محمودی؛ سریه خانم؛ معصومه فیلی؛ صفیه مجلل؛ فروزان میردامادی؛ مریم صبیح مرحوم مفتاح‌الملک؛ فروغیه توانایی؛ طلعت صدری؛ فطانه دیهیم؛ مهربانو دنبلی سیاهی؛ طوبی ضرغامی؛ اشرف الملوک شایان؛ فرخنده سمیعی؛ همدم نبوی؛ مهرتاج رخشان؛ م. جلالی؛ عفت سمیعیان؛ مهرانگیز پیشداد؛ اختر وزیری و ع. م. عامری. از نظر کمی، بیشتر حجم ترجمه مربوط به مقالات حفظ‌الصحه و دستور پرستاری اطفال است؛ مثلاً مقاله دنباله دار تغذیه و خواب اطفال اثر میسز مکدوال با ترجمه فطانه دیهیم در چندین شماره به چاپ رسیده است (دیهیم، ۱۳۰۱، ش ۳: ۱۰). «زن محبوب» عنوان مقاله دیگریست با ترجمه خانم م. جلالی که درباره ساختمان بدن زنان و طرز نیکوی تغذیه صحبت می‌کند (جلالی، ۱۳۰۲، ش ۳: ۳۷). جملات در این ترجمه‌ها روان، کوتاه و خبری است. به کاربردن شعر و جملات قصار در میان متن مقاله از جمله خصایصی است که مترجمان استفاده کرده‌اند:

«رنج آورد طعام که بیش از قدر بود» این عبارت در مقاله مذکور در مورد روش های تغذیه آورده شده است (میردامادی، ۱۳۱۱، ش ۳: ۳۷).

روش ترجمه در اغلب متون آزاد است و مترجم می‌کوشد تا متن را به مقتضای حال و مقام مخاطب، قابل فهم کند؛ مثلاً در مجله *عالم نسوان* بخشی با عنوان «خانه داری» وجود دارد که اکثر مقالات آن توسط خانم م. محمودی ترجمه شده است. محمودی موضوع مقاله را به اقتضای مخاطب که در ایران است، تغییرات اندکی داده است و احتمالاً کلمات و مفاهیمی را بر متن اصلی افزوده است؛ مثلاً در مقاله‌ای با عنوان «بودجه خانواده» که قطعاً در متن اصلی آن نامی از اوضاع معیشت ایران آن روزها نیامده است، مترجم این طور می‌گوید:

در این اوقات که گرانی معیشت برای مردان در تمام عالم بار سختی شده است، خوشبختانه ایران نسبت به اکثر نقاط اروپا آن طور در مضایقه نیست و مع‌ذالک در اینجا هم خوراک و پوشاک و حق تعلیم و کرایه منزل به حدی گران شده است که قیمت یک تومان حالیه کمتر از پنج قران قبل از جنگ است ... (بی‌نام، ۱۲۹۹، ش ۲: ۱۰).

متون ترجمه بیشتر در ژانر مقاله و به زبان انگلیسی و گاه فرانسه هستند. شایان ذکر است که غیر از مقالات مذکور به چند مورد نمایشنامه و داستان نیز در کل نشریات برمی‌خوریم. نام اثری که ترجمه از آن صورت گرفته است، در اکثر موارد ذکر نمی‌شود و این در حالیست که نام مترجمان زن غالباً آورده شده است.

۶.۵ نامه

توزیع نامه در نشریات زنان در بازه مورد بررسی این تحقیق به یک نسبت نیست؛ در نشریاتی مانند *زبان زنان*، *دانش و شکوفه* و *پیک سعادت نسوان* تعداد نامه‌ها بیشتر از دیگر نشریات است. در نشریه *جمعیت نسوان وطن خواه* جز یک مورد نامه با امضای ساسان، نامه‌ای از زنان به دست نیامد. مخاطب ظاهری اکثر نامه‌ها سردبیر نشریه است؛ اما از حیث عمومیت محتوا در دسته نامه‌های سرگشاده قرار می‌گیرند. به‌طور کلی، نامه‌های مطبوعاتی زنان براساس موضوع و محتوا در سه گروه عمده قرار دارند:

(۱) نقد مطالب آورده‌شده در نشریه

(۲) تقدیر و تشکر از نشریه و ارسال مطالبی در ژانرهای مقاله داستان و یا شعر

(۳) نامه در قالب داستان با هدف درخواستی از خوانندگان

بنابر آنچه گفته شد، از مجموع هفده نامه نوشته زنان که در نشریات ویژه ایشان منتشر شده، تعداد نامه‌هایی که با موضوع تقدیر و تشکر از سردبیر و ادامه‌دادن آن با مقاله‌ای در موضوع زنان نوشته شده است، بیشتر از نامه‌هاییست که با موضوع نقد یا درخواست نوشته شده‌اند. عناوین نامه‌ها تماماً خطاب به سردبیر است. در میان هفده نامه، چهارده تا از آن‌ها در خطاب از عناوین و القاب رسمی استفاده کرده‌اند و تنها در سه نامه عنوان غیررسمی خواهر عزیزم یا خواهر محترم عزیزم آورده شده است. نویسندگان نامه‌ها اکثراً از نویسندگان (مهرتاج رخشان، شهناز آزاد، صدیقه دولت‌آبادی، هما محمودی و...) و یا افراد مشهور مثل فروغ ظفر بختیاری رئیس شیر و خورشید سرخ بانوان و یا مدیره مدرسه بنات هستند. چند مورد نیز بدون امضا یا با نام مخفف یا استعاری مثل شکفته در نشریه *پیک سعادت نسوان* آورده شده است. بدری ایزدی، خانم حاجی میرزا یحیی، خانم آقای اعتضاد الحکما و گلبرگ بیگم نیز از دیگر نویسندگان نامه در این مطبوعات هستند. طول نامه‌ها اکثراً بین دو یا سه صفحه از نشریه است و تنها سه نامه است که کوتاه و کمتر از یک صفحه می‌باشد. شباهت این نامه‌ها به ژانر مقاله در بیش از نیمی از آن‌ها دیده می‌شود و تنها چند مورد هستند که به داستان شبیه‌ترند.

ساختار نامه‌های زنان در نشریات ویژه ایشان، با نامه‌های دیگری که در مطبوعات عمومی یا به‌صورت مجموعه نامه‌ها در دسترس است، شباهت فراوانی دارد؛ اما در مورد محتوا باید گفت که تنوع محتوایی در نامه‌های غیر از نشریات زنان بیشتر بوده است.

۶. دیگر ژانرهای مطبوعاتی

قرائت مطبوعات در دوره مورد بحث ما را با ژانرهای فرعی دیگری آشنا می‌کند که برخلاف ژانرهایی مانند داستان، شعر، مقاله، ترجمه و نامه، خارج از مطبوعات، حیات مستقلی ندارند. اعلان، اخطار، اعتذار، تقریظ، مسابقه، مطایبه، معما، ضمانت نامه، تسلیت و دستور آشپزی و خیاطی از جمله این ژانرهاست. برای آشنایی با هر یک از این ژانرها به آوردن مثالی اکتفا می‌کنیم:

اعلان

حضور مبارک خواتین محترمه و خانم‌های مدیرات مدارس با کمال احترام عرضه می‌دارم که در دارالعلم و صنایع مزینیه واقع در خیابان ماشین نمره ۴۱ مجلس امتحانات دایر و دوشیزگان عزیز از روز سه شنبه ۱۶ شهر رجب الی ۱۹ شهر مزبور مجلس امتحان و روز چهارشنبه ۱۹ شهر مجلس جشن منعقد است. مستدعی چنانم که هر روزی که رأی مبارک خانم‌های محترمه اقتضا فرماید، مجلس را به قدم مبارکشان مزین نمایند و مزین را قرین امتنان فرمایند. رییس مدرسه مزینیه (بی‌نام، ۱۲۹۱، ش ۴: ۱).

اخطار

خانم پرستار مادموزل بیث لحيان، دیپلمهٔ مریضخانهٔ آمریکایی که مدت سه سال مشغول پرستاری بوده، برای پرستاری مرضائی که تحت معالجه طبی و زنانی که در حین وضع حمل باشند، حاضر است
آدرس: خیابان فرضی کوچهٔ مدرسه روسی، نمره ۱۲ (بی‌نام، ۱۲۹۹، ش ۱: ۲).

۷. نتیجه‌گیری

نتیجهٔ حاصل از این تحقیق، دستیابی به شش گونهٔ فرعی مطبوعاتی شامل: داستان، شعر، مقاله، نامه، ترجمه و زیرژانرهای مختص مطبوعات (اخطار، اعلان، تقریظ، مسابقه، تعزیت و تسلی) بوده است. این گونه‌های فرعی که در بافت فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای تولید شده‌اند در محتوا، کارکرد و مخاطب و نیز برخی ویژگی‌های فرمی مانند تمایل اغلب آنها به لحنی روایی، مشترکند. بنابراین با در نظر گرفتن مولفه‌های مشترک مذکور برای لزوم طبقه‌بندی آثار در یک ژانر، ما آثار موجود در گونه‌های فرعی مطبوعاتی زنان در بازهٔ زمانی مشروطه را ذیل "ژانر نوشتارهای مطبوعاتی زنان" معرفی می‌کنیم.

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دوره مشروطه ۲۲۹

محتوای تکرار شونده این زیر گونه‌ها در چند بخش اصلی اجتماعی، اخلاقی، علمی و سیاسی طبقه بندی می‌شود. مخاطب مستقیم اکثر این نوشتارها زنان هستند اگرچه در بعضی اشعار و مقالات اجتماعی و اخلاقی می‌بینیم که نویسنده، مردان را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد. کاربرد نوشتارهای مطبوعاتی زنان در این دوره بر اساس آنچه از محتوای آن بر می‌آید انتقاد اجتماعی از وضعیت در حاشیه زنان در امور ازدواج و همسری و حقوق اجتماعی است. علاوه بر کارکرد انتقاد اجتماعی، تعلیم نیز از کارکردهای عمده این ژانر محسوب می‌شود.

گونه‌های مطبوعاتی نوشتارهای زنان از حیث فرم و ساختار نیز ویژگی‌های خاص خودشان را دارند؛ اما آنچه در بین همه این گونه‌ها مشترک است، لحن روایی، طولانی بودن جملات، استفاده از آیات و احادیث و اشعار در میان متون می‌باشد. ویژگی مشترک دیگر این است که هیچ یک از این گونه‌ها را نمی‌توان به‌طور قطعی در یکی از گونه‌های از پیش تعیین شده قرار داد؛ مثلاً داستان‌ها در میانه حکایات، داستان کوتاه و مقالات روایی قرار دارند. حتی نامه‌ها در بعضی موارد تبدیل به داستانی عاطفی و رقت‌برانگیز می‌شود. مقالات نیز از داستان خالی نیستند که این ویژگی آن‌ها را در دسته مقالات عمومی قرار می‌دهد. علاوه بر آنچه گفته شد، اذعان داریم که تشخیص جنسیت زنانه در نوشتارهای مطبوعاتی بیش از آنکه وابسته به فرم گونه‌ها باشد به محتوای آن بستگی دارد.

کتاب‌نامه

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
- اتابکان، صنوبر (۱۳۰۱). *عالم نسوان*، ش ۲۳ / ۵.
- اعتصامی، پروین (۱۳۰۳). *عالم نسوان*، ش ۱۹ / ۵.
- ایران، زهت (۱۳۰۰). *یک دختر ایرانی*. *عالم نسوان*، ش ۱۲/۵-۸.
- ایران، زهت (۱۲۹۹). *عالم نسوان*، ش ۱۰ / ۲.
- ایران‌پور، پروین (۱۳۱۰). *عالم نسوان*، ش ۱ / ۳۴.
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴). *بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره قاجار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران.
- بیران، صدیقه (۱۳۸۱). *نشریات ویژه زنان*. تهران: روشنگران.
- بی‌نام (۱۲۹۱). *شکوفه*، ش ۳ / ۸.
- بی‌نام (۱۳۰۲). *عالم نسوان*، ش ۲۶۲ / ۲.

۳۳۰ ادبیات پارسی معاصر، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- بی نام (۱۳۰۰). *عالم نسوان*، ش ۴۰/۵.
- بی نام (۱۳۸۹). *دانش*، ش ۲/۱.
- بی نام (۱۳۰۳). *جمعیت نسوان وطن خواه*، ش ۷-۹/۹.
- بی نام (۱۳۰۱). *محفل دوشیزگان. زبان زنان*، ش ۲۵-۲۲ / ۴.
- بی نام (۱۳۹۱). *شکوفه*، ش ۱/۴.
- بی نام (۱۳۹۹). *عالم نسوان*، ش ۳۴/۱.
- بی نام (۱۳۰۶). *عالم نسوان*، ش ۱/۴.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷). *تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان*. ج اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پرینس، جerald (۱۳۹۱). *روایت شناسی شکل و کارکرد روایت*. ترجمه محمد شهباز. تهران: مینوی خرد
- جلالی، م (۱۳۰۲). *عالم نسوان*، ش ۳۷/۳.
- چنگیزی، دلشادخانم (۱۳۰۱). *جواب پیرهن فروش*. *عالم نسوان*، ش ۳۴ / ۴.
- چنگیزی، دلشادخانم (۱۳۰۳). *هوچی*. *عالم نسوان*، ش ۱۹-۲۲ / ۴.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۶). *تاریخ شعر و ادب زنان ایران زمین از آغاز تا ۱۳۲۰ شمسی*. تهران: قصیده سرا.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲). *هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا پهلوی*. تهران: پیام.
- دنیل اسپاهی، مهربانو (۱۳۹۹). *عالم نسوان*، ش ۶ / ۱.
- دولت آبادی، صدیقه (۱۳۹۸). *داستان رقت انگیز*. *زبان زنان*، ش ۱۲ / ۶ تا ۲۹.
- دولت آبادی، صدیقه (۱۳۹۹). *زبان زنان*، ش ۳ / ۱۲.
- دولت آبادی، صدیقه (۱۳۹۹). *زبان زنان*، ش ۳ / ۲۶.
- دیهم، فطانه (۱۳۰۱). *عالم نسوان*، ش ۱۰ / ۳.
- رضوانیان، قدسیه و ملک، سروناز (۱۳۹۲). *تأثیر جنسیت بر زبان زنان معاصر*. *شعرپژوهی*، ش ۳، ۷۰-۴۵.
- رضوی، فاطمه (۱۳۹۳). *زنان نویسی در عهد قاجار (سبک شناسی خاطرات منسوب به تاج السلطنه)*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران.
- رفعت زاده، مریم (۱۳۰۰). *جهان زنان*، ش ۹/۵.
- زرقانی، سیدمهدی و صباغ، محمودرضا (۱۳۹۵). *نظریه ژانر*. تهران: هرمس.
- شاهرخ، منیژه (۱۳۰۳). *کیمیا*. *عالم نسوان*، ش ۶-۳۳/۲.
- شیخ الاسلامی، پری (۱۳۵۱). *زنان روزنامه نگار ایران*. تهران: چاپخانه مازگرافیک.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴). *تاریخ جراید و مجلات ایران*. اصفهان: انتشارات کمال.

گونه‌شناسی نوشتارهای مطبوعاتی زنان در دوره مشروطه ۳۳۱

- عاملی رضایی مریم (۱۳۸۹). *سفر دانه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نشر قاجار ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۰)*. تهران: تاریخ ایران.
- عابدیان، حسن (۱۳۹۲). *تاریخ ادبیات داستانی*. تهران: سخن.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹). *سیر تحول مضامین مادرانه در چند شاعر زن از مشروطه تا امروز*. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷ / ۱۸۰-۱۵۱.
- عزیزی، فاطمه (۱۳۸۹). *بازنمایی زن در نشریات زن‌نگار در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۲۰*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی. تهران، ایران.
- کراچی، روح‌انگیز (۱۳۸۱). *اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه*. تهران: دانشگاه الزهرا.
- کراچی، روح‌انگیز (۱۳۹۴). *چگونگی نقش عامل جنسیت در گزینش نوع حماسی و غنایی*. کهن‌نامه ادب فارسی، ش ۲ / ۱۸۸-۱۶۱.
- کراچی، روح‌انگیز (۱۳۸۰). *اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه*. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- کسمایی، شمس (۱۳۰۱). *عالم نسوان*، ش ۲ / ۳۰.
- معارف‌خواه (۱۲۸۹). *شکوفه*، ش ۱۵/۳.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۳). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد شهباء، تهران: آگه.
- میردامادی، فروزان (۱۳۱۱). *عالم نسوان*، ش ۳۷/۳.
- نورایی، م. ن (۱۳۰۳). *باثمر بی‌ثمر*. جمعیت نسوان وطن‌خواه، ش ۱۸/۵-۱۴.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۰). *وزن و قافیه شعر فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وطن دوست، غلامرضا (۱۳۸۵). *زن ایرانی در مطبوعات مشروطه*، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.